

دکتر طهرانچی در اجلاس شورای معاونان آموزشی و مهارتی دانشگاه آزاد با حضور دکتر

# نظام تعلیم و تربیت چگونه به شبکه اجتماعی دانشی تبدیل می‌شود؟

**مصطفی سعیدی خبرنگار**

اجلاس شورای معاونان آموزشی و مهارتی دانشگاه آزاد با حضور دکتر محمد مهدی طهرانچی، رئیس دانشگاه آزاد در واحد جامع مستقل نجف‌آباد برگزار شد. دکتر طهرانچی در ابتدای این نشست با گرامیداشت یاد شهدای مقاومت به‌ویژه شهید سیدحسن نصرالله، اظهار کرد: «در دنیای زندگی می‌کنیم که اگر قوی نباشید، محکوم به فنا می‌ید. امروز به اسم حقوق بشر و صلح انسان می‌کشند و می‌خواهند صدای هر حق جزوی عدالت طلب را در سینه خفه کنند. اتفاقاتی که در دنیای امروز پیرامون ما رقم می‌خورد، حوادث مهمی‌اند که باید به آنها توجه داشت و واکنش نشان داد.» وی عملیات وعده صادق ۲ را نشانه اقتدار جمهوری اسلامی ایران و عامل مؤثر در ثبات منطقه دانست که توانست سیلی محکمی بر دهن حیوان ددمنش صهیونیستی بنوازد.

رئیس دانشگاه آزاد در ادامه با اشاره به اقدامات تحولی جدید دانشگاه، مطالبی را بیان کرد که مشروع آن در ذیل آمده است:
اتفاقات مهمی در دانشگاه آزاد راهبری می‌شود که ان‌شاء الله بتواند به کمک شما عزیزان مسائل کشور را حل کند. رهبر معظم انقلاب در دیدار با نخبگان از جوش جدید علمی کشور سخن گفتند و انتظاری که جامعه نسبت به آن دارد. واقمیت این است که اگر نتجینم و حرکت به موقعی نداشته باشیم، بلاشک زیان خواهیم دید. امروز تکنولوژی های جدیدی پدید آمده که شعار «غذای روح و جسم تو در دست من است» دارد. نتیجه کار کسی که حرکت به موع، فعال و پیشگام ندارد، بزرگی است. لذا باید یک حرکت جدی را شروع کرد. وقتی نامه حضرت سلیمان به دربار ملکه سبا رسید، مشاوران دربار به ملکه گفتند که ما صاحبان قوه و قدرت و باس شدیدیم. قوه آن چیزی است که به جسم نسبت داده می‌شود و نشان از توان چه در بعد اجتماع و چه در بعد فرد دارد. وقتی درباریان صحبت از قوه می‌کنند، یعنی آنها صاحب فناوری های به‌روزند. در آیه شریفه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْغُيُوثِ بُهِتُونَ بِهِ عِدُّوا لَهُمْ وَعَدُّوا لَهُمْ...» نیز منظور از قوه همین است. قوه همان توان فنآورانه و کنش‌ی شماسست که به زبان امروز به آن فناوری می‌گوییم که هم دشمن را می‌ترساند و هم سبب آبادانی می‌شود.

نکته دوم در صحبت‌های درباریان سبا، باس شدید بود. خداوند در آیه شریفه «...وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ...» در بیان همه فلزات موجود باس شدید را به آهن نسبت داده است. آهن چه خصوصیتی دارد که باس شدید است؟ فیزیکدانان معتقدند آهن حدود چهارهزار کیلومتر از ۶ هزار کیلومتر هسته مرکزی زمین را دربر گرفته و سبب شده یک میدان مغناطیسی و سپر محافظی در دور زمین شکل گیرد که به دنبال آن در نتیجه بمباران یونی، شفق قطبی به وجود می‌آید. این سپر دفاعی نمی‌گذارد زمین مورد حمله قرار گیرد و اگر این سقف نبود، حیات شکل نمی‌گرفت. اگر این باس شدید را جامعه داشته باشد، می‌تواند از خود دفاع کند. وقتی به آهن می‌نگریم، درمی‌یابیم که دارای دو نظم است؛ اول نظم ساختاری و دوم نظم مغناطیسی. همه کریستال‌ها از جمله نمک طعام نظم ساختاری دارند اما آهن علاوه بر نظم ساختاری، در نقطه‌ای از ساختار نظم مغناطیسی پیدا و نقاط مختلف یکدیگر را درک کرده‌اند و جهت ماسپینی می‌شوند. اینجاست که باس شدید شکل می‌گیرد، یعنی در ساختار اول باس شدید را پدید نمی‌آورد، بلکه نظم دوم است که باس شدید را مسبب می‌شود.

خداوند در آیه شریفه «لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْهِ آيَاتٍ مُخْتَلِفَةً أَوْ مِنْ وَرَاءِ حُجُرٍ بَأْسُهُمْ بِيَّتِهِمْ شَدِيدٌ تَحْسِبُهُمْ جَبَابِقًا وَقُلُوبُهُمْ سَهْوٌ ذَلِكَ بَأْسُهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ» خطاب به پیامبر اکرم (ص) درباره قوم یهود می‌فرماید که آنها با شما جنگ نمی‌کنند، مگر از درون قلعه‌ها یا از پشت دیوارها. مرد مقابله رودرو نیستند. ای پیامبر تو گمان می‌کنی ارتباط میان آنها باس شدید است و آنها یک جبار هستند، درحالی‌که قلب‌های (دل و فکر) آنها واگرا است و با هم نیست، زیرا آنها قوی‌اند که اندیشه‌ورز نیستند.

اولا از همین جا معلوم می‌شود باس شدید، مربوط به ارتباط میان آدم‌هاست. ثانیا دانشگاه‌هایی که قوم اندیشه‌ورز پدید می‌شوند در میان خود باس شدید داشته باشند



دکتر طهرانچی در اجلاس شورای معاونان آموزشی و مهارتی دانشگاه تشریح کرد

# نظام تعلیم و تربیت

# چگونه به شبکه اجتماعی دانشی تبدیل می‌شود؟

تا به شکل یک جماعت دیده شوند و قلب‌های واگرا نداشته باشند. همچنین نباید از پشت دیوار با مسائل مواجه شوند، پس اگر قوم یعقلون باشیم – که ما مدعی ایم دانشگاهیان قوم اندیشه‌ورزند – باید دارای این خصوصیات شویم. درحقیقت اینجا دو نظم مشاهده می‌شود: یک نظم هندسی بدون هماهنگی اجزا و یک نظم هندسی با هماهنگی اجزا که در آن اجزا همدیگر را می‌بینند. سؤال امروز آن است که ما در دانشگاه علاوه بر آنکه جمع دیده می‌شویم، همفکر و مؤید همیم یا خیر؟ اگر سازمان‌ها همفکر، همدل و هم هدف شوند، صاحب باس شدید خواهند شد. اگر حتی دانشگاه را جهت دهنده همه وجوه ندانیم و آن را فقط جهت دهنده دانش ببینیم، بازم قوم یعقلون است. قوم یعقلون که خصوصیات آن جماعت دیده شدن، دارای باس شدید بودن و همدل بودن است. همچنین این قوم در مواجهه با مسائل از پشت دیوار و در اتاق‌های در بسته و جدای از واقعیت برخورد نمی‌کند. ما باید ببینیم که این ویژگی‌ها را داریم یا خیر.

از بیرون که به دانشگاه نگاه می‌کنیم، متوجه می‌شویم آرایش سازمانی خوبی دارد؛ رئیس دانشگاه، رئیس دانشکده و گروه و اساتید آرایش گرفته‌اند ولی هرکدام از آنها جداسر کلاس می‌رود و حرف خود را می‌زند و هیچ همفکری‌ای با دیگری ندارد. جمعدت ولی با هم نیستند. قلوب جدایی از هم دارند. هیچ‌گاه با هم روی حل یک موضوع جمع نشده‌اند. هرکس انفرادی به حل مسأله می‌پردازد و هیچ کار جمعی نمی‌کنند و با هم یک‌بار حرف علمی زده‌اند و مقاله‌ای را نقد نکرده‌اند. نظام یک‌پارچه‌ای ندارند و به عبارتی اصلا یکدیگر را نمی‌بینند و هیچ هم‌پوشانی فکری حتی مخالف همدیگر ندارند، پس به صورت سازمانی با همدن ولی گفتمانی و فکری با هم یکی نیستند و نوع مواجهه عینی ندارند. اگر هم‌گفتمان و همفکر شدیم و مواجهه عینی پیدا کردیم، نتیجه باس شدید می‌شود و ما مایه قدرت خواهیم بود.

### مقاله علمی فردی، جامعه علمی ایجاد نمی‌کند

کشوری که در هوش مصنوعی ۱۰۰ مقاله داشته باشد ولی هیچ‌کدام دیگری را کاور نکنند، قدرت هوش مصنوعی از آن در نمی‌آید. مقاله‌ای که تک‌ی یا دنیای علم به اشتراک گذاشته می‌شود، جامعه علمی ایجاد نمی‌کند. امروز کنفرانس‌های علمی محلی برای ارائه دانشجویان شده که ۵، ۶ نمره بگیرند. اساتید هم در شان خود نمی‌بینند در آنها شرکت کنند؛ درحالی‌که کنفرانس علمی برای همفکر و همدل شدن و برای هم جهت شدن اسپین‌هاست. ما فقط ساختار منظمی داریم و فراتر از ساختار وجود ندارد. در فیزیک می‌گوییم اگر فاصله دو اسپین از یک محدوده کمتر نباشد، یکدیگر را نمی‌بینند. بعد از نزدیک شدن به یکدیگر هم جهت می‌شوند. ما امروز سازمان دانشگاه داریم ولی نهاد دانشگاه نداریم. سازمان دانشگاه سازمان‌شغلی است. برای همین وقتی کسی مدیرگروه و معاون آموزشی می‌شود، دیگران کاری با او ندارند. کل دانشگاه روی نظام شغلی نشسته است و هیچ تعاملی با هم ندارند. از این نظام، باس شدید شکل نمی‌گیرد، پس دانشگاهی که فقط نظام شغلی داشته باشد، نهایتا سازمان دانشگاه می‌شود؛ نه نهاد دانشگاه.

ما چکار رکن پیشرفت دنظر گرفته‌ایم که عبارتند از توانایی، دانایی، حیات و رفاه. هر اجتماعی برای رشد به این چهار رکن نیاز دارد. ما باید در هر جامعه مواجهه با چهار نهاد باشیم که اگر این نهادها در هر جامعه‌ای شکل بگیرد، پیشرفت خواهد کرد؛ نهاد اول، نهاد توانایی است. برای مثال دولت یک‌نهاد است. دولتی که در آن هر روز به سویی برود و یادگیری کاری نداشته باشد، رشد نخواهد کرد. حیات‌وزیرانی که متفرق باشند، توان حل مساله نخواهد داشت. این دولت نتوانسته به نهاد تبدیل شود و در شکل سازمان باقی مانده است، پس توان یک‌اجتماع به مؤلفه‌های توان انسانی و ابزار ی حکومت‌ها بازمی‌گردد. مردمی نتوانمندند که با هم حرف بزنند. اجتماع توانمند وقتی شکل می‌گیرد که نهاد‌های اجتماعی در آن شکل بگیرند و گفت‌وگو در آن رواج داشته باشد. نهاد بعدی، نهاد حیات است. خانواده مبنای حیات است. حیات انسانی در کره خاکی شکل نمی‌گیرد و ادامه پیدا نمی‌کند، مگر با تشکیل خانواده. نهاد حیات بر پایه خانواده است. محیط‌های رفتنی نیز از نهاد‌های حیاتند. امروز جوانان با نهاد رفات خیلی مواجهه دارند، حتی در شبکه‌های اجتماعی یکدیگر را حضوری ندیده‌اند ولی کاملا همفکر و همدل عمل می‌کنند یا مثلا محیط‌های زندگی؛ در محله‌های قدیمی نهاد زندگی وجود داشت اما امروز در آپارتمان‌ها و برج‌ها نهاد زندگی وجود ندارد، بلکه در حد سازمان زندگی‌اند. در این سازمان همسایه‌ها یکدیگر را نمی‌شناسند.

### پارک علم و فناوری تمرین نهاد ثروت در دانشگاه است

ما نهاد حیات را به سازمان زندگی تبدیل کرده‌ایم که اتفاقا خیلی نظام‌مندتر است اما کسی دیگر در آن نمی‌بیند. محیط‌های کسب وکار نیز همین مشکل را پیدا کرده‌اند. امروز سازمان بازار و کسب وکار داریم و دیگر برخلاف گذشته نهاد بازار از بین رفته است. مدرسه، دانشگاه و رسانه نهاد دانایی‌اند، به‌شرطی که کلیه کنشگران یکدیگر را ببینند. وقتی یکدیگر را نبینند باس شدید در آن شکل نمی‌گیرد و قدرت‌آفرین نیست و کشور را قوی نمی‌کند. پرسشی که مطرح می‌شود این است که دانشگاه‌نهاد دانایی یا سازمان دانایی است؟ غرب university را به عنوان گلخانه‌ای از چهار نهاد دانایی، توانایی، حیات و رفاه ساخت. مفهوم پارک علم و فناوری تمرین نهاد ثروت در دانشگاه است، پس نباید در آن تعدادی شرکت که با هم تعامل ندارند، ایجاد کنیم. خوابگاه در دو دهه قبل بهترین رفیق‌های دانشجویا را به آنها می‌داد، لذا خوابگاه نهاد حیات در دانشگاه بود. محیط دانشگاه را غرب برای تولید بذر در این ۴ چهارنهاد ساخت؛ تانشای آن بذر را وارد جامعه کند. ما فقط به نهاد دانایی دانشگاه توجه کرده‌ایم، درحالی‌که در پیاده کردن نهاد داناییی دانشگاه نیز کاملا موفق نبوده‌ایم. سازمان در جوامع انسانی به نهاد تبدیل می‌شود که در مغناطیس علت آن رؤیت دو الکترون بوده اما در جوامع انسانی نهاد‌ها دو مؤلفه مودت و عدالت دارند. در تعریف عدالت می‌گوییم هرچه سر جای خود باشد. در زبان فیزیکدان‌ها وقتی هر چیزی سر جای خود بنشینند، انرژی سطح کمینه پیدا می‌کند؛ آهن‌ریبا وقتی ایجاد می‌شود که در یک دما انرژی کمینه باشد. عدالت وقتی

پیاده می‌شود، جامعه دیگر در تنش نخواهد بود، بنابراین باید مفهوم دیگری را ذیل عدالت اجتماعی داشته باشیم، به نام «عدالت نهادی».

### نظام علمی برای تبدیل

### به نهاد علم نیازمند مودت و عدالت است

اگر در سازمان دانشگاه عدالت برقرار نشود، سازمان به نهاد دانایی تبدیل نمی‌شود. عدالت در دانشگاه همه ابعاد کنش‌ها از جمله عدالت در ارتقا، شایسته‌سالاری، نحوه پرداخت حقوق و مزایا و... را در برمی‌گیرد. باید پرسید آیا در رابطه استاد و دانشجو و رابطه مجموعه دانشجویان با هم و با اساتید، معاون رئیس و... عدالت حاکم است یا خیر؟ مودت همان دیدن همدیگر است که در مقابل عداوت قرار دارد. مودت همان چیزی است که خداوند آن را مایه شکل‌گیری نهاد خاتواده قرار داده است. رحمت نیز مودت است. ابتدا باید مودت انسانی بین ما شکل بگیرد تا مودت علمی نیز پدید آید. مودت علمی یعنی من از موفقیت همکار خوشحال می‌شوم. وقتی مقاله همکار را می‌بینم، اگر اشکالی پیداکنم، به او دوستانه می‌گویم. نظام علمی ما برای تبدیل شدن به نهاد علم نیازمند مودت افراد با هم و عدالت است. باید در رابطه با اینکه مودت و عدالت در گروه‌های علمی دانشگاه به چه معناست، بنابراین در نهاد برخلاف برهم‌کنش صرفا ساختاری، ارتباطات تعاملی، سازنده و هم‌افزا – که نتیجه آن همبستگی علمی است – شکل می‌گیرد. از طرفی عدالت در کلیه کنش‌های حوزه‌نهاد علم اعم از نظام تربیتی، علمی، فرهنگی و در نظام اداری علمی و در مواجهه دانشجویان و اساتید باهم یکی از دو عامل تبدیل سازمان به نهاد است. در نامه امام علی (ع) به مالک اشتر حضرت عدالت و مودت را دو مساله مهم در جامعه می‌داند. ایشان می‌فرمایند آنچه بیشتر دیده‌و لیاان به آن روشن است، برقراری عدالت در شهرها و دوستی پدید شدن در میان رعیت است. الماس در مقابل دوده متمایز است، زیرا توانسته ساختار پیدا کند. آهن می‌تواند از ما در مقابل طوفان خورشیدی دفاع کند، چون آهن‌های آن همدیگر را می‌بینند. اگر یکدیگر را نمی‌دیدند، ما اصلا در این کره خاکی امکان حضور نداشتمیم. مدرسه و حوزه علمیه در نظام سنتی ما سازمان مریب محور بود که عدالت و مودت در این سازمان فرد محور برقرار بود. ما خواستیم راه رفتن کبک را بیاوریم، راه رفتن خود را نیز فراموش کردیم.

فردا را که منشا مودت و اجرای عدالت بود از سازمان بیرون کشیدیم و گفتیم دیگر فرد مهم نیست و مشاغلند که مهمند. بنابراین خواستیم تبدیل به نهاد تربیت عالم و تولید علم شویم که نتوانستیم و در این میان گیر کردیم. باید نهاد می‌ساختیم ولی سازمان را شکل دادیم. در این سازمان نیز دیگر ارتباطات موردنظر برقرار نشد برای همین قدرت‌آفرین نشد. درحقیقت یک ساختار منظم غیرمربط ساخته است که در آن ساختار دوره‌ای وجود دارد و نظم در آن احساس می‌شود اما هیچ اشتراک‌گذاری‌ای بین اجزا با هم صورت نمی‌گیرد. نظم پذیری رفتاری مانند ساختار آهن دو نوع است. در آهن دسته‌ای از مواد نسبت به نظم‌پذیری مغناطیسی لجاجت دارند که به آنها دیامغناطیس می‌گوییم. در همه عناصر لجاجت وجود دارد اما لجاجت در ستون آخر جدول تناوبی بارز است، زیرا آنها حالت استخفا دارند. بقیه لجاجت پایین‌تری از قدرت همراهی خود دارند. همراهی‌ها تحد اشباع و همراهی بدون اشباع که پارامغناطیس و دیامغناطیس نام دارند. ما در سیستم‌نظم پذیر، سیستم نظم‌پذیر یک قطبی داریم که به یک شکل فکر می‌کنند. سیستم دو یا چندقطبی باقطب مرجح و بدون قطب مرجح نیز داریم. اکثر آهن‌رباهایی که ما می‌بینیم چندقطبی یا قطب مرجحنند.

مادر جامعه به دنبال تک قطبی نیستیم و نمی‌گوییم همه باید مثل هم فکر کنند ولی باید یک قطب مرجح از این میان درآید. سیر نهاد دانایی مکتبخانه‌ها در گذشته که فرد محور بود، وارد سازمان محور شد. در این میان هنوز در این مرحله به دنبال اشکالات خود بودیم که شبکه وارد شد. شبکه‌ای که خود از بیرون، نهاد اجتماعی خلق می‌کند که ما جا مانده‌ایم. امروز اساتد‌هایی که با هم فکر می‌کنند از ایران، آمریکا، نیوزیلند و استرالیا با هم تبدیل به یک شبکه شده‌اند. چه کسی مودت این شبکه را می‌برد؟ کسی که جریان علم را هدایت می‌کند. شبکه درحال شکل‌گیری است اما دانشگاه ما در آن کاره‌ای نیست. شبکه‌ای که از آن بمب سنگ‌رشکن هم تولید می‌شود، زیرا تو از اهداف خبر نداری، تو یک جزء از این شبکه‌ای. شبکه‌ی بستر ساز کنش اجزاست.

### دانشگاه آزاد باید شبکه دانشی خود را

### به‌عنوان یک مبنا بسازد

ما در دانشگاه آزاد به دنبال آتیم که از مفهوم اول به مفهوم دوم برویم. تحولات امروز دانشگاه نیز در همین جهت است. امروز اگر در سازمان دانشگاه باقی بمانیم، با مشکل مواجه خواهیم شد. باید تا ما را به شبکه تبدیل نکرده‌اند، خود شبکه بسازیم. شبکه شدن را حل‌ها و قواعد خود را دارد. ارتباطات در این شبکه فقط بستر است که سعی می‌کند با تنظیم‌گری روابط، عدالت و مودت تربیت عالم، تولید علم و جهت دهی به آن، آیا بدون مودت می‌توان عالم را نمی‌شناسید. اوستر را ایجاد کرده و بعد با تنظیم‌گری می‌گوید اینجا نباید از شهید سید حسن نصرالله و شهید حاج‌قاس سلیمانی حرف بزنید. بستر فعالیت شبکه‌های مختلف مداح‌ها، ورزشکاران، آشپزها و... را ایجاد کرده است ولی اجازه بروز نظم مخالف را نمی‌دهد. همین قاعده در رابطه با گاوگُل و تلگرام و... نیز برقرار است.

در سازمان ارتباط ارگانیک اداری بین اجزا وجود دارد ولی در نهاد ارتباط شبکه‌ای هم‌افزا بین اجزا برقرار است. ما اگر نتجینم تبدیل به آماجگاهی می‌شویم که به دیگران خدمت‌رسانی می‌کند و خود نفعی ندارد. لذا باید خود شبکه بسازیم. در رسانه نیز مفهوم گذار مرجعیت خبری رسانه ملی به شبکه اجتماعی مبتنی بر این گزاره است که دنیا به سمت شبکه میل می‌کند، پس نظام تعلیم و تربیت از سازمان فرد محور به سازمان علمی جمعی و سپس شبکه اجتماعی دانشی تبدیل می‌شود. دانشگاه آزاد نیز باید شبکه دانشی خود را به عنوان یک مبنا بسازد. در غیر این صورت در مقوله‌های مختلف هوش مصنوعی، کوانتوم و...

تبدیل به یک پیرو می‌شویم.

دانشگاه آزاد ضرورت‌های این مسیر را در سند تحول و تعالی خود آورده است که تشکیل چهارچوب یکپارچه سایریر فیزیکی تبدیل به یک اجتماع تربیتی هوشی و فرهنگی تغییر آموزش، تبدیل مدیریت جزیره‌ای به مدیریت شبکه‌ای ازجمله آنهایند. امروز محتوای آموزشی و روش آموزشی در دانشگاه‌های ما با کپی‌کاری وارد می‌شود و از آن دو رسته به وجود می‌آوریم و با استاد و دانشجو در سازمان دانشگاه پیاده می‌کنیم. نهاد علمی مساله و رسته خود را از جامعه می‌گیرد. در زمان مساله جامعه را نمی‌توان تنها با یک تخصص فهمید و حل

کرد، بلکه لازم است مثلا برای حل مساله کشاورزی، همزمان چند متخصص جامعه‌شناسی، صنایع غذایی، مهندس و روانشناسی شناختی و... در کنار ت حضور داشته باشند.

مسائل جامعه انسان مدار، چندوجهی، پیچیده، سریع‌التغییر و دارای ارتباطات گسترده است. این موارد کنایات می‌کند که دیگر ما با تخصص فردی خود قادر به حل یک مساله اجتماعی نباشیم. در مسیر تبدیل سازمان دانشگاه به نهاد، اعضای هیات علمی باید یکدیگر را ببینند و حول یک موضوع حرف بزنند. در ساختن یک کودکان نباید مهندس کار خود را کند و استاد تعلیم و تربیت بعد آن را نقد کند. این دو باید با هم صحبت کنند و به یک نقشه درست برای ساخت کودکان برسند. این معنای مودت است. عدالت یعنی طوری برنامه‌ریزی در سازمان انجام‌شود که انرژی کمینه‌ا از این باشد که باهم حرف بزنیم. راجع به برقراری عدالت و مودت نیز ساز داریم که خیلی حرف بزنیم. گروه‌های علمی دانشگاه باید در ابتدا عدالت و مودت را در گروه خود ایجاد کنند تا مردم به کمیته انرژی برسند و عدالت را حس کنند و از آن لذت ببرند، سپس با تجمع به نهاد دانایی برسند. از ساختاری که متکلم وحده است و بقیه صرفا شنونده، نهاد علم به وجود نمی‌آید. در این ساختار باید تجدید نظر کرد. ساختار باید نحوه سازماندهی نظام یادگیری و یاددهی، مدیریت و نظامات استاد را بازتعریف کند. در محتوا نیز باید بازنگری کنیم. عدالت علمی می‌کند که تحولات اجتماعی را ببینیم و مودت حکم می‌شود. وقتی دست دانشجوی را گرفته‌ای تا او را با پایوری، ارزش قائل شویم تا حرف ۲۰ سال پیش را به آنها تحویل بدهیم. نسل جدید در استخراج و استفاده از اطلاعات فوق‌العاده است. اساسا آنها بلندند که چگونه از سیستم ماشین همراه استفاده کنند. آیا مودت حکم می‌کند همان محتوای قدیم را به آنها تحویل دهیم و به آن دست نزنیم؟

### گروه‌های کشوری برای برقراری عدالت تشکیل شد

ما به کسی که دوستش داشته باشیم، بهترین هدیه‌ای می‌دهیم. اساسا وقتی مودت در دانشگاه حاکم شد، مساله تخلف و کمیته انضباطی کم و همه مشکلات سازمان دانشگاه حل می‌شود. وقتی دست دانشجوی را گرفته‌ای تا او را با پایوری، اگر خطایی از او سر زد ریشه‌اش را نمی‌کنی و او را بیچاره نمی‌کنی. اگر قلب کرد، رویت را بر نمی‌گردانی، بلکه سر یار دنگ رفتن مطالب توسط او دغدغه داری و به او می‌فهمانی که با قلب چیزی یاد نمی‌گیرد. اگر به معاون آموزشی خیر رسید که استادی سر کلاس کم فروشی علمی می‌کند، مودت و عدالت اجازه نمی‌دهد او از کنار این موضوع عبور کند. این حرف‌ها، حرف‌هایی جدی است. مودت در نهاد دانایی می‌خواهد دانشجو را دانا کند. امروز مودت میان دستیاران آموزشی و دانشجویها شکل گرفته و دانشجویها از آنها رضایت دارند، زیرا حس می‌کنند دستیاران آنها را دوست دارند. گروه‌های کشوری برای برقراری عدالت تشکیل شده‌اند. مدیران گروه‌های کشوری باید سطح و محتوای آموزش دانشجویی را که در خاش تحصیل می‌کند با دانشجویی تهرانی یکسان سازی کنند. در روش آموزش نیز یادگیری عمیق در دانشگاه آزاد شکل گرفته است و باید تقویت شود. در نهاد دانشگاه که در آن مودت و عدالت حاکم است، میزان یادگیری دانشجوی برای ما مهم است، زیرا او را دوست داریم. اگر در نهاد دانشگاه با مودت سراغ دانشجوی برویم، معاونان آموزشی ما هر معاون فرهنگی، فرهنگی تر خواهد بود. معاونان آموزشی‌اند که انسان‌سازی را برعهده دارند. اینکه نسبت به شغل و آموزش و نظام عرضه و پدایه او فکر کنی، از روی مودت است. اگر اینچنین به دانشگاه نگاه کردی، درمی‌یابی که دانشگاه چیز دیگری است. معاونان آموزشی باید برای آموزش تک‌تک دانشجویان‌گران باشند. مادر دانشگاه آزاد تلاش می‌کنیم با نگاه به روندهای جهانی، الگوی پیشرفت و ادبیات خاص خود را داشته باشیم. مقام معظم‌رهبری در بیانی می‌فرمایند اسلام الگوی مستقل خودش را دارد. الگوی اسلامی برای نظام‌سازی و جامعه‌سازی به‌طور خلاصه یک الگویی است مرکب از ایمان و علم و عدل؛ این سه عنصر اصلی است. ایمان به معنای ایمان توحیدی خالص که این ایمان توحیدی خالص، هم در ساخت شخصیت انسان‌ها تاثیر می‌گذارد، هم در ساخت جامعه و قواره عمومی جامعه اثر می‌گذارد و هم در عمل شخصی امتداد دارد. هم در شکل اجتماعی، علم با گستره‌ی اینتهای [آن] – هم علم الهی، هم علم طبیعی به آن [معنا] که غربی‌ها هنرشان را در آن نشان دادند، [یعنی] آنسخر طبیعت و تسلط بر طبیعت و مانند اینها– جزء چیزهایی است که در اسلام مددوح است. بعد انسان عروج می‌کند از این مرحله به مراحل بالاتر؛ علم به هویت

انسان، علم به عالم ملکوت و علوم الهی برتر از این حرف‌ها. این علم شامل همه این مسائل است. عدل هم به معنای وسیع عدل؛ هم عدالت اقتصادی، هم عدالت قضایی، هم عدالت اجتماعی، [یعنی] عدالت به معنای واقعی کلمه.

### دانشگاه نهاد پیشرفت الگوی اسلامی ایرانی است

این آن چیزی است که امام به ما یاد داده‌اند. طبق فرمایش ایشان، رکن اصلی دانشگاه را علم یا همان نهاد دانایی می‌دانند. دانشگاه سه وظیفه اصلی دارد؛ تربیت عالم، تولید علم و جهت دهی به آن. آیا بدون مودت می‌توان عالم تربیت کرد؟ خداوند متعال در مورد حضرت خضر می‌فرماید: «فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِنْ عَلَيْنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا» یعنی خضر هم بنده بود، هم صاحب رحمت و هم علم لدنی. مگر می‌شود در نظامی مودت وجود نداشته باشد؟ اگر مودت نبود نهاد نیست، بلکه سازمان است. در سازمان هیچ مودتی میان ارباب رجوع و کارمند وجود نخواهد داشت. مودت سازمان نهاد و باس شدید را می‌سازد که قدرت‌آفرین است و دشمن را می‌ترساند و مایه همبستگی اجتماعی می‌شود. دانشگاه نهاد پیشرفت در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است که مودت و عدالت دو بال آن است. تولید علم و فناوری و دانایی و توانایی، تربیت عالم و فنآور دارد. ما معتقدیم جهت دهی بر تولید علم و فناوری مبتنی بر ایمان صورت می‌گیرد و تربیت عالم و فنآور با جهت دهی به تربیت رخ می‌دهد. جهت دهی به تربیت نیز تقوا در مقابل فحور است. بنابراین ایمان به تولید علم جهت می‌دهد و تربیت عالم مبتنی بر یادگیری خویششان داری بر محور خداست. از این دانشگاه است که قدرت خلق و جامعه قوی می‌شود و کسی نمی‌تواند به این جامعه چپ نگاه کند. در این دانشگاه نظام تربیتی، علمی فناوری و فرهنگی داریم که معاونان آموزشی و مهارتی نظام تربیتی را برعهده دارند، یعنی هم به فکر درس دانشجویاست و هم دغدغه شغل آنها را دارد. رهبر انقلاب در دیدار با نخبگان علمی از ما خیرشخ جدید علمی را طلب کردند. همه‌ ما مأموریم که با هم این خیرشخ را رقم بزنیم. محتوای خیرشخ قبلی مقاله محور بود اما این نوبت باید محتوای خیلی قوی‌تر و جدی‌تری در حوزه‌های نو داشته باشد.